



تفسیر موضوعی نهج البلاغه

مصطفی دلشاد تهرانی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک‌درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

مقدمه.....	نه
فصل اول - آشنایی با نهج البلاغه.....	۱
اهداف کلی.....	۱
الف) عنوان «نهج البلاغه».....	۲
ب) عصر گردآوری نهج البلاغه.....	۳
یک. روزگار تحولات سیاسی بزرگ.....	۳
دو. روزگاری نو در عرصه فرهنگی.....	۴
ج) گردآورنده نهج البلاغه.....	۶
یک. جایگاه خانوادگی سیدرضی.....	۶
دو. نبوغ و استعداد سیدرضی.....	۶
سه. فضایل و کمالات سیدرضی.....	۶
چهار. مقام علمی و ادبی سیدرضی.....	۷
پنج. تألیفات و تصنیفات سیدرضی.....	۹
شش. وفات سیدرضی.....	۹
د) انگیزه گردآوری نهج البلاغه.....	۱۰
ه) سبک تألیف نهج البلاغه.....	۱۱
و) باب‌بندی نهج البلاغه.....	۱۱
ز) کمیت نهج البلاغه.....	۱۲
ح) کیفیت نهج البلاغه.....	۱۳
یک. واژه‌ها و مفردات.....	۱۳
دو. ترکیبات و جملات.....	۱۵
سه. هندسه کلام.....	۱۶
چهار. زیبایی و ارزش ادبی.....	۱۶
پنج. وجوه متعدد.....	۲۰

۲۱.....	شش. عمق مطالب.....
۲۲.....	هفت. تأثیر گذاری.....
۲۳.....	هشت. راه گشایی.....
۲۴.....	ط) اعتبار نهج البلاغه.....
۲۶.....	ی) روش شناسی مطالعه نهج البلاغه.....
۲۶.....	یک. روش ترتیبی.....
۲۷.....	دو. روش تجزیه ای.....
۲۸.....	سه. روش موضوعی.....
۲۹.....	ک) موضوع شناسی نهج البلاغه.....
۳۱.....	پرسش و پژوهش.....
۳۳.....	منابع برای مطالعه بیشتر.....
۳۵.....	فصل دوم - خداشناسی.....
۴۰.....	ب) خداشناسی در عینیت زندگی.....
۴۱.....	یک. امنیت روحی.....
۴۲.....	دو. نفی گردنفرای و گردنکشی.....
۴۲.....	سه. توجیه مسئولیت انسانی.....
۴۳.....	چهار. وارستگی و پروا پشگی.....
۴۳.....	پنج. عدالت پیشگی و ظلم ستیزی.....
۴۴.....	شش. استقامت و پایداری.....
۴۴.....	هفت. آزادی و آزادی گرایی.....
۴۶.....	پرسش و پژوهش.....
۴۸.....	منابع برای مطالعه بیشتر.....
۴۹.....	فصل سوم - پیامبری و پیشوایی.....
۴۹.....	الف) فلسفه وحی و پیام آوری.....
۵۲.....	ب) پیام آور خاتم.....
۵۲.....	ج) هدف برانگیخته شدن آخرین فرستاده الهی.....
۵۳.....	د) صورت و سیرت آخرین پیام آور الهی.....
۵۴.....	ه) پیشوایی.....
۵۵.....	و) استمرار پیامبری در پیشوایی.....
۵۶.....	ز) شناخت پیشوایان الهی.....
۵۸.....	ح) نمونه های والای راهبری.....
۵۸.....	ط) جاودانگی پیشوایی برای استمرار هدایت الهی.....
۶۱.....	پرسش و پژوهش.....
۶۲.....	منابع برای مطالعه بیشتر.....
۶۳.....	فصل چهارم - حقوق شناسی.....
۶۵.....	ب) جایگاه حقوق.....

۶۶	ج) حقوق مداری
۶۹	د) حقوق متقابل (حقوق و حدود)
۷۱	اقسام حقوق
۷۱	۱. حقوق خدا
۷۲	۲. حقوق خویشتن
۷۳	۳. حقوق مردمان
۷۴	ه) پیامدهای پابندی به حقوق دیگران
۷۵	و) پیامدهای زایل کردن حقوق دیگران
۷۹	پرسش و پژوهش
۸۰	منابع برای مطالعه بیشتر
۸۱	فصل پنجم - اندیشه سیاسی
۸۱	الف) مفهوم‌شناسی سیاست
۸۱	واژه‌شناسی
۸۲	ب) مفهوم سیاست در علم سیاست
۸۳	ج) جایگاه و اهمیت سیاست نزد امام علی علیه السلام
۸۴	د) اهداف و غایت سیاست
۸۵	یک. اهداف سیاست
۸۵	۱. آگاهی بخشی
۸۷	۲. پاسداشت آزادی
۸۹	۳. دادگستری
۹۱	۴. امنیت‌سازی
۹۴	۵. بهبود مادی
۹۵	۶. حقوق‌گرایی
۹۷	۷. اصلاح فرهنگی
۱۰۰	دو. غایت سیاست
۱۰۳	پرسش و پژوهش
۱۰۵	منابع برای مطالعه بیشتر
۱۰۷	فصل ششم - سیره سیاسی
۱۰۸	الف) مفهوم‌شناسی سیره سیاسی
۱۰۸	یک. واژه‌شناسی سیره
۱۰۸	دو. مفهوم سیره سیاسی
۱۰۹	سه. خطوط کلی سیاست (اصول ایجابی)
۱۰۹	۱. حفظ حدود الهی و قانون‌گرایی
۱۱۰	۲. پابندی به کیفیت استخدام وسیله
۱۱۲	۳. صراحت و صداقت
۱۱۴	۴. زمانه‌شناسی
۱۱۶	۵. آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی

۱۲۰.....	۶. اعتدال و میانه‌روی
۱۲۳.....	۷. عدالت‌خواهی و عدالت‌ورزی.....
۱۲۷.....	۸. مشورت و رایزنی.....
۱۲۸.....	چهار. آفات سیاست (اصول سلبی).....
۱۲۸.....	۱. قدرت‌طلبی.....
۱۲۹.....	۲. استبداد و خودکامگی.....
۱۳۲.....	۳. خشونت‌ورزی.....
۱۳۴.....	۴. تنگ‌نظری و انحصارطلبی.....
۱۳۵.....	۵. دنیازدگی.....
۱۳۸.....	۶. دروغ‌گویی و فریب‌کاری.....
۱۳۹.....	۷. تزویر و ریاکاری.....
۱۴۰.....	۸. سازش‌کاری.....
۱۴۱.....	خلاصه فصل پنجم.....
۱۴۳.....	پرسش و پژوهش.....
۱۴۵.....	منابع برای مطالعه بیشتر.....
۱۴۷.....	فصل هفتم - کمالات انسانی.....
۱۴۸.....	الف) ادب کمالی.....
۱۴۹.....	ب) حریت.....
۱۵۲.....	ج) حکمت.....
۱۵۵.....	د) رحمت.....
۱۵۸.....	هـ) نِزاهت.....
۱۶۱.....	و) صداقت.....
۱۶۳.....	ز) عدالت.....
۱۶۶.....	ح) عبودیت.....
۱۶۹.....	ط) سَماحت.....
۱۷۲.....	ی) قناعت.....
۱۷۵.....	ک) شجاعت.....
۱۷۹.....	ل) استقامت.....
۱۸۱.....	م) علوّ همت.....
۱۸۴.....	ن) پایبندی به تعهدات.....
۱۹۰.....	پرسش و پژوهش.....
۱۹۲.....	منابع برای مطالعه بیشتر.....
۱۹۳.....	واژگان.....
۲۱۹.....	کتابنامه.....

مقدمه

بی تردید نهج البلاغه پس از قرآن کریم، گرانقدرترین و ارزشمندترین میراث فرهنگی اسلام است. مجموعه‌ای که جلوه زیباترین و والاترین آموزه‌ها از انسانی کامل برای هدایت فرد و جامعه است؛ انسانی که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین انسان‌هاست. نهج البلاغه شفای دردهای روحی بشر، راز هدایت اجتماعی و سیاسی، منشور انسان‌سازی، دریچه‌ای به نور و راهی از مُلک تا ملکوت است.

نهج البلاغه مکتوبی است از مبارزه با ستم، بیداد و زراندوزی و رساله‌ای است برای مبارزه با جهل، جمود و خشک‌مغزی؛ این صحیفه انسان‌سازی و آموزگار کفرستیزی و فقرستیزی، بیان‌کننده راه برپایی حدود الهی و افق ارزش‌های آرمانی است و نه تنها راه روشن بلاغت (نهج البلاغه) که راه روشن هدایت است. نهج البلاغه می‌تواند پاسخ‌گوی خلأهای عمیق فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، و جواب‌گوی مسائل و مشکلات گوناگون مسلمانان و جوامع عصر حاکمیت شرک باشد.

این مجموعه در جهت هدف‌های ذیل تدوین شده است:

۱. آشنایی با نهج البلاغه و چگونگی تألیف و ساختار آن؛
۲. آشنایی با چند مبحث موضوعی از نهج البلاغه؛
۳. آشنایی با نوع نگرش به مباحث گوناگون در نهج البلاغه و توانایی این اثر در راهگشایی در موضوعات مختلف.

ازاین‌رو، در یادگیری این مباحث باید به مفاهیم مطالب توجه شود و یادگیری الفاظ و حفظ عبارات عربی و عین ترجمه آنها مورد نظر نیست.

متن نهج البلاغه براساس نسخه تصحیح دکتر صبحی صالح است و در برخی موارد اختلافی، نسخه ابن المؤدب (قرن پنجم) و نسخه ابن شدّاقم (قرن دهم) مقدم گرفته شده است.

در تمام کتاب از ترجمه نهج البلاغه دکتر سیدجعفر شهیدی استفاده شده و در مواردی تغییراتی صورت گرفته است.

در ویراست دوم کتاب براساس نظرها و پیشنهادهای استادان و مدرسان گرانقدر اصلاحاتی انجام شده است، ازجمله بازبینی ترجمه‌ها، افزودن معنای واژه‌های عربی هر فصل در پایان کتاب براساس حروف الفبا، حذف برخی مطالب و افزودن برخی مباحث. در اینجا بر خود لازم می‌دانم از همه عزیزانی که در مراحل مختلف آماده‌سازی و چاپ کتاب، و نیز در ویراست دوم آن، تلاش کرده‌اند، تشکر کنم. همچنین مراتب قدردانی خود را از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، جناب آقای غلامحسین گرامی، و مدیر محترم گروه آشنایی با منابع اسلامی، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدهادی منصوری ابراز می‌کنم و برایشان آرزوی توفیق بیشتر دارم. به امید آنکه این اثر توانسته باشد گوشه‌هایی از معارف بلند نهج البلاغه را تبیین کرده باشد.

مصطفی دلشاد تهرانی

فصل اول

آشنایی با نهج البلاغه

اهداف کلی

هدف از ارائه مقدمه این است که دانشجو با کتاب ارزشمند نهج البلاغه و گردآورنده آن آشنایی مختصری پیدا کند.

هدف‌های رفتاری

- دانشجوی گرامی از شما انتظار می‌رود پس از مطالعه این مقدمه بتواند:
۱. جایگاه خانوادگی سیدرضی را توضیح دهید.
 ۲. ویژگی‌های ذاتی و فضایل اخلاقی سیدرضی را بنویسد.
 ۳. مقام علمی و ادبی سیدرضی را ذکر کنید.
 ۴. تألیفات و تصنیفات سیدرضی را بیان کنید.
 ۵. انگیزه سید رضی در گردآوری نهج البلاغه را تقریر کنید.
 ۶. مفهوم نهج البلاغه و فلسفه نامگذاری آن را بیان نمایید.
 ۷. ساختار ظاهری و شکلی نهج البلاغه و کمیت آن را تبیین کنید.
 ۸. کیفیت سخنان علی علیه السلام و بی‌نظیر بودن آن را شرح نمایید.
 ۹. فرق روش تربیتی، روش تجزیه‌ای و روش موضوعی را برشمارید.
 ۱۰. مهم‌ترین موضوعات نهج البلاغه را ذکر کنید.
 ۱۱. اقسام تألیفاتی که درباره نهج البلاغه نوشته شده است، آن را دسته‌بندی کنید.

الف) عنوان «نهج البلاغه»

«نهج البلاغه» عنوان کتابی است که در فرهنگ اسلامی، به سان آفتاب نیمروز می درخشد؛ و همچون صدفی مشحون به گوهرهایی از حکمت های عالی است. (شهرستانی، ج ۳: ۱۳۵۹: ۱۹) این عنوان را شریف رضی بر منتخبی از خطبه ها و مواعظ، نامه ها و عهدنامه ها و کلمات کوتاه و قصار امیرمؤمنان علی علیه السلام انتخاب کرد. (الحسینی الخطیب، ج ۱، ۱۳۹۵: ۸۷)

«نهج البلاغه»، یعنی راه روشنِ بلاغت. گردآورنده آن (شریف رضی) در وجه تسمیه این گنجینه گران قدر چنین اظهار داشته است:

پس از تمام شدن، چنین دیدم که نامش را نهج البلاغه بگذارم؛ زیرا این کتاب درهای بلاغت و سخنوری را به روی بیننده خود می گشاید و خواسته هایش را به او نزدیک می سازد. هم دانشمند و دانشجو را بدان نیاز است، و هم مطلوب سخنور و پارسا در آن وجود دارد. (سید رضی، ۱۳۶۸: ۳۶)

شریف رضی مناسب ترین عنوان را برای این کتاب جاودان برگزید. شیخ محمد عبده - عالم بزرگ اهل سنت - در مقدمه ای که بر شرح خود بر نهج البلاغه نوشته است، راجع به این عنوان می نویسد:

این کتاب جلیل، مجموعه ای است از سخنان سید و مولای ما، امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب (کرم الله وجهه)، که سیدشریف رضی از سخنان متفرق آن حضرت، گزینش و گردآوری کرده و نام آن را نهج البلاغه نهاده است. من اسمی مناسب تر و شایسته تر از این، که بر معنای آن دلالت کند، سراغ ندارم، و بیشتر از آنچه این اسم بر آن دلالت دارد، نمی توانم آن را توصیف کنم. (عبده، ج ۱، ۱۴۰۹: ۱۳-۱۲)

نامی که شریف رضی بر این مجموعه نهاد، گویای وجهی از کلمات علی علیه السلام بود که او را سخت مجذوب و شیفته می ساخت و این وجه نهج البلاغه، یعنی فصاحت و بلاغت کلام و نفوذ آن تا عمق جان، هر کسی را متحیر می سازد. استاد مطهری در این باره می نویسد:

سید رضی شیفته سخنان علی علیه السلام بوده است. او مردی ادیب، شاعر و

سخن شناس بود.... سیدرضی به خاطر همین شیفتگی که به ادب عموماً و به کلمات علی خصوصاً داشته، بیشتر از زاویه فصاحت و بلاغت و ادب به سخنان مولی می‌نگریسته است. به همین جهت در انتخاب آنها این خصوصیت را در نظر گرفته است، یعنی آن قسمت‌ها که از جنبه بلاغت برجستگی خاصی داشته، بیشتر نظرش را جلب می‌کرده است. از این رو، نام مجموعه منتخب خویش را «نهج البلاغه» نهاده است. (مطهری، ۱۳۵۸: ۵-۴)

البته آنچه شریف رضی از بیانات و مکتوبات امیرمؤمنان، علی‌علیه‌السلام گردآورده و آن را نهج البلاغه نامیده است، تنها راه روشن بلاغت نیست، بلکه ترجمانی از قرآن و آموزه‌های نبوی و راه روشن هدایت است.

ب) عصر گردآوری نهج البلاغه

نهج البلاغه در سال ۴۰۰ ق گردآوری شده است؛ عصری که از نظر فرهنگی، برجسته و ویژه است. این عصر مصادف با دوره سوم خلافت عباسیان می‌باشد که پس از دو دوره تحولات بزرگ سیاسی، شکل گرفت و این دوره، روزگار تحول‌های فرهنگی است.

یک. روزگار تحولات سیاسی بزرگ

دوره نخست خلافت عباسیان، از سال ۱۳۲ تا ۲۳۲ ق است، که دوره تثبیت و تحکیم قدرت سیاسی نظامی آنان بشمار می‌آید. در این دوره، عباسیان به قلع و قمع مخالفان پرداختند و استبدادی خشن، همچون امویان را شکل دادند و سلطه‌گری نمودند. (حسن، ج ۲، ۱۹۶۵: ۹۸-۸۷)

دوره دوم خلافت عباسیان، از سال ۲۳۲ تا ۳۳۴ ق است، که دوره حاکمیت قشری‌گری و سرکوب اندیشه‌ورزی است. در این دوره، اندیشه به بند کشیده شد و آزادی فکر به ضعف و فتور گرایید. معتزله و شیعه سخت تحت تعقیب و شکنجه قرار گرفتند و مردم از ترس جان، به پنهان داشتن اندیشه‌های خود اقدام کردند. (جعفری، ۱۳۷۵: ۱۵) در این دوره، جمود، قشری‌گری و ظاهرگرایی بر جامعه حاکم شد و استبداد به خشن‌ترین شکل ظهور یافت.

دوره سوم خلافت عباسیان، از سال ۳۳۴ تا ۴۴۷ ق است که با ورود معزالدوله،

احمد بن بویه به دستگاه خلافت عباسی و دگرگون شدن قدرت عباسیان و پیدایش فضای سیاسی جدید شکل گرفت. (ابن الاثیر، ج ۸، ۱۳۸۵: ۴۵۲-۴۴۹)

با حضور و قدرت‌گیری دیلمیان در بغداد، کار حکومت عباسی صورتی جدید به خود گرفت. خلفا سلطنت می‌کردند، اما حکومت و اداره امور در اختیار آل‌بویه بود. خلفا در ظاهر حکومت می‌کردند، و با املاک و درآمد اختصاصی و مقرری‌ای که از دولت می‌گرفتند زندگی می‌گذراند. (همان: ۴۵۰)

بدین ترتیب، با تسلط آل‌بویه بر مرکز خلافت و حاکمیت عملی آنان، اوضاع سیاسی اجتماعی شیعه تغییر یافت و شیعیان پس از یک دوره طولانی سراسر حرمان، در عرصه اجتماعی امکان ظهور یافتند. (همان: ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۹ و ۵۵۰؛ ابن الجوزی، ۱۴، ۱۲، ۱۴۰ق: ۱۵۰ و ۱۵۱) این اوضاع جدید، فضایی نسبتاً مناسب برای رشد معارف و اندیشه‌های شیعه فراهم نمود. (کرمر، ۱۳۷۵: ۸۲-۷۸)

دو. روزگاری نو در عرصه فرهنگی

در دوره سوم، بند از زبان‌ها برداشته شد و گروه‌ها و مذاهب مختلف، معتقدات خود را بدون ترس بیان داشتند، و به‌طور نسبی امنیتی فرهنگی فراهم شد، به‌گونه‌ای که کمتر کسی با زبان تعصب دینی به دیگری هجوم می‌برد. (همان: ۶۴) این فضای فرهنگی که متأثر از تفکر شیعی آل‌بویه بود، موجب شد تا دانش در عرصه‌های گوناگون رشد یابد. سیاست قرن چهارم، بر گسترش تشیع در بغداد و دیگر بلاد استوار بود، اما تا آنجا که به حاکمیت شیعیان نینجامید، جز در جاهایی که حکومت در دست علویان بود، (محبی‌الدین، ۱۳۷۳: ۲۱) لازم بود شریف رضی از این فضای سیاسی پیش آمده بیشترین بهره را در راستای ترویج اندیشه شیعی و معارف آن ببرد، علاوه بر اینکه اوضاع علمی قرن چهارم نیز مساعدترین اوضاع بود - چنان‌که این دوران را دوره زرین تاریخ اسلام از نظر پیشرفت دانش و فرهنگ شمرده‌اند - وجود دانشمندان بی‌شمار در این دوره، حتی در منصب وزارت، مانند: ابوعلی سینا، خوارزمی، صاحب بن عباد، ابن‌العمید، شاپور بن اردشیر و مَهَلَبی، و ظهور دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های بسیار بزرگ در کنار مساجد، وجود فقیهان، متکلمان و فیلسوفان بزرگ، کثرت ادیبان و شاعران و تألیف کتاب‌های بسیار در موضوعات متعدد علمی، همه گواه این مدعاست. (جعفری، ۱۳۷۵: ۱۶ و ۱۷) در این

دوره، اوضاع مباحثات علمی و ارائه اندیشه‌ها مهیاتر گشت و مدارس، کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها رونقی شگفت یافت. (متز، ج ۱، ۱۳۶۲: ۲۰۷-۲۰۱)

عضدالدوله دیلمی، دانش و اهل آن را دوست می‌داشت و برای فقیهان، محدثان، متکلمان، مفسران، نحویان، شاعران، نسب‌شناسان، پزشکان، ریاضی‌دانان و مهندسان، حقوق تعیین کرده بود. او خود نیز به تحصیل علم می‌پرداخت و اوقاتی را صرف ادب می‌کرد. (همان: ۴۱)

البته این روحیه بر مبنای حق‌مداری، عدالت‌خواهی و فرهیختگی نبود، بلکه بیشتر گرایشی قدرت‌مدارانه و رقابت‌جویانه بود؛ چنان‌که هرگاه حق و عدالت با قدرت‌طلبی آنان تعارض می‌یافت، این حق و عدالت بود که فدای قدرت می‌گردید، تا آنجا که عده‌ای از بزرگان سادات و دانشمندان، از جمله: ابواحمد حسین بن موسی، پدر شریف رضی، در سال ۳۶۹ ق به فرمان عضدالدوله دیلمی بازداشت شدند و به فارس تبعید گردیدند. (ابن الجوزی، ج ۱۴، ۱۴۱۲: ۲۶۸؛ ابن‌الاثیر، ج ۸، ۱۳۸۵: ۷۱۰)

اما در کل، قرن چهارم هجری - روزگار شریف رضی و عصر تألیف نهج البلاغه - قرن‌ی پر تلاطم و دارای فراز و نشیب بسیار و تحولات علمی بی‌نظیر است؛ چنان‌که آدم‌متز (دانشمند و شرق‌شناس معاصر سوئیسی) آن را دوره رنسانس اسلام نامیده است. از یک‌سو در قرن چهارم، یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌ها، یعنی خلافت عباسی گرفتار تجزیه شد و از سوی دیگر، حکومت‌های محلی مقتدر در ممالک مختلف اسلامی نشر و نما یافتند. در این دوران، در نتیجه امتزاج تمدن‌های قدیم و ظهور ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فکری و عملی فرهنگ اسلامی، تمدن اسلامی به نقطه اوج خود رسید و نیازهای جدید اجتماعی، از سویی چاره‌گران و اندیشمندان را به احیای میراث‌های قدیم و از طرفی، به آفرینش طریقه‌های جدید در ادب، حکمت، سیاست، مملکت‌داری، آداب معیشت و جنگ و عمران کشاند. در واقع، با کاهش نسبی و تدریجی تسلط مطلق خلافت عباسی، ملل، اقوام، گروه‌ها و افراد، امکان شکوفایی استعدادها و باروری اندیشه‌ها را یافتند. (متز، ج ۱، ۱۳۶۲: ۹) آنگاه در این اوضاع و احوال، اثری بی‌نظیر (نهج البلاغه) به‌دست شخصیتی بی‌بدیل ظهور یافت.

ج) گردآورنده نهج البلاغه

گردآورنده نهج البلاغه، ابوالحسن محمد بن حسین موسوی، معروف به سیدرضی و شریف رضی است. وی در سال ۳۵۹ ق، در نیمه دوم سده چهارم دیده به جهان گشود و در سال ۴۰۶ ق، در اوایل قرن پنجم به سوی دار باقی شتافت.

یک. جایگاه خانوادگی سیدرضی

وی از وجوه مختلف شخصیتی، یعنی وراثت، تربیت، کرامت و عزت، معرفت و حکمت، انسانی کم نظیر است. او در خاندانی برجسته از خاندان علویان بغداد متولد گشت. هم از جانب پدر، و هم از جانب مادر، نسبی بس شریف داشت. نسبش از سوی پدر با پنج واسطه به امام هفتم، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و از سوی مادر با شش واسطه به امام چهارم، حضرت علی بن الحسین علیه السلام می‌رسد. (الثعالبی، ج ۳، ۱۴۰۳: ۱۵۵؛ ابن عنبه، بی تا: ۲۳۶) از این رو، بهاءالدوله دیلمی او را به ذی‌الحسین و شریف رضی ملقب نمود. (الخطیب البغدادی، ۲، بی تا: ۲۴۶؛ ابن الجوزی، ج ۱۵، ۱۴۱۲: ۱۱۵؛ ابن کثیر الدمشقی، ج ۱۲، بی تا: ۴)

دو. نبوغ و استعداد سیدرضی

سید رضی از اوان کودکی همراه برادرش، سیدمرتضی به تحصیل علوم مقدماتی پرداخت و هوش سرشار و استعداد کم‌نظیر خود را در عرصه‌های مختلف ظاهر ساخت. بیش از ده سال از سن شریف رضی نگذشته بود که به سرودن شعر پرداخت و چنان قریحه‌ای از خود نشان داد که سابقه نداشت. سیدرضی از همان زمانی که به محضر اساتید بزرگ روزگار خود راه یافت، شگفتی آنان را برانگیخت و همگان را به تحسین واداشت. او در بیست سالگی در تمام علوم متداول عصر خویش سرآمد شده بود. (دوانی، ۱۳۶۴: ۶۳-۴۷)

سه. فضایل و کمالات سیدرضی

سید رضی در عزت نفس، سخاوت، پابندی به امور شرعی، پرهیز از تملق، پارسایی و پروا پیشگی، در روزگار خود کم‌نظیر بود. از هیچ‌کس صله و جوایز شعر نپذیرفت و

چند بار بخشش‌ها و جوایز بهاءالدوله دیلمی را مسترد کرد و حتی صله شعر را از پدرش، آن‌هم در نه سالگی قبول نکرد. (همان: ۴۴، ۱۰۷ و ۱۰۸)

روح آزادگی در سیدرضی چنان بود که با ابواسحاق صابی غیر مسلمان - از ادیبان و کاتبان برجسته قرن پنجم هجری که بر آیین صابئین^۱ بود (ابن‌الندیم، ۱۳۹۳: ۱۴۹؛ ابن‌خلکان، ج ۱، بی تا: ۵۴-۵۲) - رابطه‌ای صمیمی داشت و میان آن‌دو، مراودات و مراسلات علمی و ادبی صورت می‌گرفت؛ (ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱، ۱۳۷۸: ۳۶) و زمانی که او درگذشت، سیدرضی در قصیده‌ای عالی و بسیار حزن‌انگیز او را مرثیه گفت. (الشریف الرضی، ج ۱، ۱۴۰۶: ۳۸۵-۳۸۱)

بعضی‌ها از این مرثیه‌سرایی برآشتند و سیدرضی را سرزنش کردند که شخصی چون او، از دودمان پیامبر ﷺ کسی چون ابواسحاق صابی کافر را مرثیه می‌گوید و از فقدان او چنین می‌نالد! ولی سیدرضی گفت: «من فضل و کمال او را ستوده‌ام، نه جسم و بدنش را!» (القمی، ج ۲، ۱۳۷۶: ۳۶۸)

چهار. مقام علمی و ادبی سیدرضی

اشعار سیدرضی از چنان روانی و زیبایی در الفاظ، و وزانت و متانت در معانی برخوردار است که همگان را به شگفتی واداشته است. او در اشعار خود، بدون تکلف، صنایع ادبی را به خدمت گرفته و با کمترین الفاظ، والاترین معانی را ابلاغ کرده است. موسیقی شعر او، سحرانگیز است و طنین امواج آن، درون جان نفوذ می‌کند و اثری عمیق باقی می‌گذارد. (الفاخوری، بی تا: ۵۰۰) ثعالبی، ادیب معاصر سیدرضی (درگذشته به سال ۴۲۹ ق) درباره او چنین می‌نویسد:

او اینک نابغه دوران و نجیب‌ترین بزرگان عراق، و در عین شرافت نسب و افتخار حسب، مزین به ادبی نمایان، فضلی تابان و بهره‌ای وافر از تمام خوبی‌ها و نیکویی‌هاست. از این گذشته، او سرآمد شاعرانی است که از دودمان ابوطالب برخاسته‌اند، چه گذشتگان و چه معاصران. با آنکه در میان آنان شاعران مبتکر و نوآوری

۱. صابئان جمعیتی از پیروان نوح ﷺ بوده‌اند. ذکر این عده در آیه ۱۷ سوره حج در ردیف مؤمنان و یهود و نصارا دلیل آن است که اینان مردمی متدین به یکی از ادیان آسمانی بوده و به خداوند و قیامت ایمان داشته‌اند. (بنگرید به: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۸۸)

چون: حِمّانی، ابن طباطبای، ابن ناصر و جز ایشان بسیار بوده‌اند، اما اگر بگویم او سرآمد شاعران قریش است، گزافه نگفته‌ام، که گواه صادق آن، اشعار اوست که این ادعا را می‌توان با مراجعه بدان‌ها دریافت؛ اشعاری عالی و استوار، خالی از سستی و عوار، که در عین روانی، محکم است و با متانت، دارای معانی نغز و بلند، و چونان میوه رسیده و با طراوت. (الثعالبی، ج ۳، ۱۴۰۳: ۱۵۵)

سید رضی گذشته از مقام والایی که در علوم اسلامی و فرهنگ دینی داشت، هنوز بیست بهار عمر را سپری نکرده بود که در عرصه ادبیات عرب، یکه‌تاز میدان و مایه مباحثات همگان شد و در نظم و نثر شگفتی‌ها آفرید. او در انواع شعر هنرنمایی می‌کرد، اشعارش دست به دست می‌گشت و آن را می‌خواندند و در شگفتی فرو می‌رفتند و اشعارش را به یاد می‌سپردند. بسیاری از بزرگان علم و ادب و سیاست به اشعار سیدرضی علاقه بسیار نشان می‌دادند و آنها را حفظ می‌کردند. (الامینی، ۱۴۰۸: ۱۳۰)

نقل کرده‌اند که صاحب بن عبّاد، ادیب بی‌بدیل و نادره دوران در ادب، سخن‌شناسی و نویسندگی، (القمی، ج ۲، ۱۳۷۶: ۳۷۶-۳۷۰) با قطعه‌ای از اشعار سیدرضی روبه‌رو شد و چنان شیفته گردید که کسی را به بغداد فرستاد تا از روی دیوان سیدرضی نسخه‌ای بردارد و برای او ببرد. این واقعه در سال ۳۸۵ ق بود که سیدرضی ۲۶ سال بیشتر نداشت. (الامینی، ج ۴، ۱۴۰۳: ۲۰۰-۱۹۹) نیز تقیه دختر سیف‌الدوله (درگذشته سال ۳۹۹ ق) چنان شیفته اشعار سیدرضی شده بود که کسی را از مصر به بغداد فرستاد تا از دیوان وی نسخه‌ای بردارد و برایش ببرد. (همان: ۲۰۰) تمامی اینها جلوه‌ای کوچک از شخصیت والای شریف رضی است. سیدرضی شعر و شاعری را برای خود مایه افتخار و شرافت نمی‌دانست، بلکه آن را وسیله‌ای برای پیشبرد مقاصد خود به‌کار می‌گرفت؛ چنان که در اشعارش بدان تصریح کرده است. (همان: ۲۰۲-۲۰۰؛ الشریف‌الرضی، ج ۱، ۱۴۰۶: ۴۳۲)

شریف رضی از نظر جایگاه علمی، مقامی بس رفیع داشت و علم را در خدمت آرمان‌های بلند خویش می‌انگاشت، که آثار او خود گواه این امر است.

پنج. تألیفات و تصنیفات سیدرضی

سیدرضی با وجود گرفتاری‌های بسیار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، و با وجود مشاغل مهم، حساس و وقت‌گیری همچون: نقابت طالبیان،^۱ امارت حج^۲ و نظارت دیوان مظالم^۳ در عمر ۴۷ ساله خویش، آثاری بس مهم برجا گذاشته است که هر یک در نوع خود، ممتاز و حائز اهمیتی بسیار است، که البته برخی از آنها به‌جا مانده و بسیاری از آنها از میان رفته، که جز نام و نشانی از آنها در دست نیست. آنچه باقی مانده، برهانی قاطع در اثبات فضل، کمال، عمق اندیشه و تبحر وی در عرصه‌های گوناگون علم و ادب است؛ از جمله: *حقائق التأویل فی متشابه التنزیل، مجازات الآثار النبویة، دیوان الشریف الرضی*. (جعفری، ۱۳۷۵: ۵۸-۵۰)

اما مهم‌ترین و گران‌سنگ‌ترین اثر سیدرضی، که هیچ کتابی پس از قرآن کریم به والایی، شیوایی، گران‌مایگی و جاودانگی آن نمی‌رسد، نهج‌البلاغه است.

شش. وفات سیدرضی

شریف رضی روز یکشنبه، ششم محرم سال ۴۰۶ ق، زندگی پر برکت خویش را به پایان برد. (النجاشی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۳؛ الخطیب البغدادی، ج ۲، بی تا: ۲۴۷؛ ابن خلکان، ج ۴، بی تا: ۴۱۹) وزیر ابوغالב فخرالملک و سایر وزرا و اعیان و اشراف و قضات، همگی با پای برهنه به رسم عزاداری در خانه او حضور یافتند. بر جنازه او فخرالملک نماز گزارد و در همان منزل به خاک سپرده شد. سپس، او را به کربلا بردند و در کنار قبر پدرش، حسین بن موسی دفن کردند. (ابن عنبه، بی تا: ۲۰۴؛ المدنی الشیرازی، ۱۴۰۳: ۴۷۸)

۱. «نقابت» سرپرستی طالبیان به منظور نگهداری شرافت خاندان‌ها و رسیدگی به امور مختلف مالی، اجتماعی، اخلاقی و قضایی آنان بود که به نقابت خاص و عام تقسیم می‌شد. در نقابت خاص تنها به امور سرپرستی طالبیان پرداخته می‌شد، و در نقابت عام، دآوری و قضاوت و اجرای حدود و سرپرستی اموال و املاک یتیمان و محجوران به نقیبی فقیه و مجتهد واگذار می‌شد. (بنگرید به: الماوردی، *الاحکام السلطانیة*، ص ۹۹-۹۶؛ أبوعلی الفراء، *الاحکام السلطانیة*، ص ۹۳-۹۰)

البته نخستین کسی که «نقابت» را بنیان گذاشت و شخصی را به ریاست طالبیان گماشت و او را «نقیب» نامید، معتضد بالله، شانزدهمین خلیفه عباسی بود که از سال ۲۷۹ تا ۲۸۹ خلافت کرد. (بنگرید به: البیهقی، *معارج نهج‌البلاغه*، ص ۲۰-۱۹)

۲. «امارت حج» سرپرستی امور حج است که شریف رضی در محدوده نقابت خویش آن را عهده‌دار بوده است.

۳. «دیوان مظالم» درواقع اداره رسیدگی به اعمال ظالمانه حکام و امراء و شخصیت‌های بزرگ، و نیز مراقبت از کارکرد مأمورین حکومتی بوده است. بنگرید به: دهخدا، *لغت‌نامه*، ذیل واژه «دیوان».

(بنگرید به: الثعالبی، *یقیمه الدهر فی محاسن أهل العصر*، ج ۳، ص ۱۵۵؛ ابن عنبه، *عمدة الطالب فی أنساب آل‌ابی‌طالب*، ص ۲۳۷)

(د) انگیزه گردآوری نهج البلاغه

شریف رضی در مقدمه نهج البلاغه انگیزه جمع‌آوری خود را چنین بیان کرده است:

در آغاز جوانی و طراوت زندگانی، به تألیف کتابی در خصایص و ویژگی‌های ائمه دست زدم که مشتمل بر خبرهای جالب و سخنان برجسته آنان بود. انگیزه این عمل را در آغاز کتاب یادآور شده‌ام و آن را آغاز سخن قرار داده‌ام. (الشریف الرضی، ۱۳۶۳: ۴-۱) پس از گردآوری خصایص امیرمؤمنان علیه السلام موانع ایام مرا از تمام کردن باقی کتاب بازداشت. آن کتاب را به باب‌ها و فصل‌هایی مختلف تقسیم کرده بودم و در پایان آن، فصلی بود که سخنان کوتاه امام علیه السلام در زمینه مواعظ، حکم، امثال و آداب نقل شده از او را - به جز خطبه‌های بلند و نامه‌های مفصل - در آن فصل آورده بودم. گروهی از دوستان، این فصل را پسندیدند و از نکات بی‌نظیر آن دچار شگفتی شدند و از من خواستند کتابی تألیف کنم که سخنان برگزیده امام علیه السلام در همه رشته‌ها و شاخه‌های گفتارش، از خطبه‌های آن حضرت گرفته تا نامه‌ها و مواعظ و ادبش را دربر داشته باشد؛ زیرا می‌دانستند این کتاب، دربردارنده شگفتی‌های بلاغت و نمونه‌های ارزنده فصاحت و گوهرهای ادبیات عرب و نکات درخشان از سخنان دینی و دنیوی خواهد شد که در هیچ کتابی جمع نشده و در هیچ نوشته‌ای، تمام جوانب آن گردآوری نگشته است؛ چون تنها امیرمؤمنان علیه السلام است که سرچشمه و آشخور فصاحت و منشأ و آفریدگار بلاغت است. گوهرهای نهفته اش توسط او آشکار گردیده و آیین و آدابش از او گرفته شده است. تمام خطبا و سخنرانان به او اقتدا کرده و همه واعظان بلیغ از سخن او استمداد جسته‌اند. با وجود این، او همیشه پیشرو است و آنان دنباله‌رو، او مقدم است و آنان مؤخر؛ زیرا سخنان آن حضرت علیه السلام رنگ علم الهی و عطر سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را همراه دارد. از این رو، خواسته آنان را اجابت کردم و این کار بزرگ را آغاز نمودم، درحالی‌که یقین داشتم نفع معنوی آن بسیار است و به‌زودی همه‌جا را تحت سیطره خود قرار خواهد داد و اجر آن ذخیره آخرت خواهد بود. همچنین بدین وسیله خواستم علاوه بر فضایل بی‌شمار دیگر، بزرگی قدر و شخصیت امیرمؤمنان علیه السلام را در فضیلت سخنوری آشکار سازم؛ زیرا او تنها فردی است که از میان تمام گذشتگان که سخنی از ایشان به‌جا مانده، به آخرین مرحله

فصاحت و بلاغت رسیده است. اما سخنان آن حضرت علیه السلام اقیانوسی است بی کرانه، و انبوه گوهرهایی است که هرگز درخشش آن، کاستی نمی‌گیرد. (نهج البلاغه، ۱۳۸۷: ۳۳ و ۳۴)

ه) سبک تألیف نهج البلاغه

شریف رضی در کار خود سبکی ویژه را برگزید و در تمام کتاب بر آن سبک وفادار ماند. این سبک سه شاخصه اصلی دارد: گزینشی بودن مطالب، انتخاب بلیغ‌ترین آموزه‌های امام علی علیه السلام و استخراج انواع مطالب و موضوعات.

سید رضی آنچه را که از امیرمؤمنان علی علیه السلام در کتاب‌ها وجود داشت در اثر خود نیاورد، بلکه با دقت نظر و جامع‌نگری، و براساس زیبایی‌شناسی بی‌نظیر خود، به انتخاب دست زد و برجسته‌ترین مطالب امام علی علیه السلام را برگزید؛ و با تعبیر «من خطبه له علیه السلام؛ بخشی است از یک سخنرانی امام که درود باد بر او»، و «من کلام له علیه السلام؛ گزیده‌ای است از یک سخن امام که درود باد بر او»، و «من کتاب له علیه السلام؛ بخشی است از یک نامه امام که درود باد بر او»، و «من وصیه له علیه السلام؛ گزیده سفارشی است از امام که درود باد بر او» روش گزینشی خود را مشخص کرد.

و) باب‌بندی نهج البلاغه

سید رضی سخنان امیرمؤمنان علیه السلام را از میان کتاب‌های گوناگون استخراج کرده و با سبکی دلپذیر و مطلوب تنظیم نموده است. خود او درباره نحوه باب‌بندی و تقسیم مطالب آن چنین نوشته است:

دیدم سخنان آن حضرت حول سه محور است، نخست: خطبه‌ها و فرمان‌ها؛ دوم: نامه‌ها و پیغام‌ها؛ و سوم: کلمات حکمت‌آمیز و موعظه‌ها. پس به توفیق الهی، ابتدا خطبه‌های شگفت، سپس نامه‌های زیبا و سرانجام، حکمت‌ها و کلمات جالب را انتخاب کردم و هر یک را در بابی مستقل قرار دادم.... نیز هرگاه سخنی از آن حضرت در مورد بحث و مناظره یا پاسخ سؤال و یا

منظوری دیگر بود که به آن دست یافتم، ولی جزء هیچ یک از این سه بخش نبود، آن را در مناسب ترین و نزدیک ترین باب قرار دادم. چه بسا قسمت هایی نامتناسب در این برگزیده سخنان آمده باشد، زیرا من در این کتاب نکته های شگفت و قطعه های درخشان را برگزیده ام و قصدم هماهنگی و نظم تاریخی و پیوستگی میان سخنان نبوده است. (همان: ۳۵)

ز) کمیت نهج البلاغه

نهج البلاغه گزینشی است بی نظیر از کلام انسانی بی بدیل که شامل ۲۴۱ خطبه و کلام، ۷۹ نامه و مکتوب، و ۴۸۹ حکمت و موعظه می شود.^۱

سید رضی خود تصریح کرده است که آنچه در این مجموعه گردآمده است، منتخب و گزیده ای از سخنان امیرمؤمنان علیه السلام است، نه همه آنچه از آن حضرت در کتاب ها موجود بوده است. وی در این باره می نویسد:

ادعا نمی کنم که من به همه جوانب سخنان امام علیه السلام احاطه پیدا کرده ام، به طوری که هیچ یک از سخنان آن حضرت را از دست نداده باشم، بلکه بعید نمی دانم که آنچه نیافته ام، بیش از آن باشد که یافته ام و آنچه در اختیارم قرار گرفته است، کمتر از آن چیزی باشد که به دستم نیامده است. (سید رضی، ۱۳۸۷: ۳۶)

شریف رضی قسمتی از مطالب امیرمؤمنان علیه السلام را از کتاب هایی که در دسترس داشت، گزینش کرد؛ البته بسیاری از آن کتاب ها در اثر درگیری ها، جنگ ها و تحولات از میان رفته و جز نامی از آنها در فهرست ها و یا مطالب نقل شده از آنها در برخی کتاب ها باقی نمانده است. (الحسینی الخطیب، ج ۱، ۱۳۹۵: ۲۵-۱۹)

یعقوبی، مورخ برجسته (در گذشته به سال ۲۸۴ ق) اظهار می کند که مردم در زمان او، چهارصد خطبه از خطبه های امیرمؤمنان را به خاطر سپرده بودند و این خطبه ها

۱. بنا بر نسخه چاپ دکتر صبحی صالح. البته در چاپ های مختلف به دلیل اینکه برخی محققان گاهی دو خطبه یا کلام را یکی محسوب کرده اند، تعداد شماره ها مختلف است. همچنین به آخرین شماره حکمت ها در هر چاپ که باشد، باید عدد ۱ را اضافه کرد، زیرا شریف رضی در میانه حکمت ها، ۱ که حکمت را که نیازمند توضیح درباره واژه هایش بوده است، در فصلی جدا آورده و سپس حکمت ها را به شیوه قبل ادامه داده است. بنابراین آخرین شماره حکمت ها در نسخه دکتر صبحی صالح، ۴۸۰ است که با آن نه عدد، ۴۸۹ می شود.

میان آنان رایج بوده و آنها را در خطبه‌ها و سخنان خود به کار می‌برده‌اند. (اليعقوبي، بی تا: ۱۵)

همچنین مسعودی، مورخ نامدار (در گذشته به سال ۳۴۶ ق) می‌نویسد:

آنچه مردم از خطبه‌های آن حضرت به خاطر سپرده‌اند، چهارصد و هشتاد و چند خطبه است که بالبداهه ایراد می‌کرد و مردم آن را حفظ می‌کردند و می‌نوشتند و از هم می‌گرفتند. (المسعودی، ج ۲، بی تا: ۴۱۹)

مشخص است که در قرون سوم و چهارم چه میزان از کلام امیرمؤمنان علیه السلام در میان مردم رایج بوده است و آنچه شریف رضی گزینش کرده، بخشی از مجموعه فراوان مطالب امیرمؤمنان علیه السلام در کتاب‌ها بوده است.

ح) کیفیت نهج البلاغه

نهج البلاغه از وجوه مختلف، شگفت و بی نظیر است؛ واژه‌ها و مفردات، ترکیبات و جملات، بافت و هندسه کلام، قوت و استحکام، آهنگ و موسیقی کلام، لطافت و سحر بیان، زیبایی و ارزش ادبی، وجوه متعدد، عمق معانی، تأثیرگذاری، راه‌گشایی و... که به برخی از این موارد اشاره می‌شود تا قدری کیفیت این اثر بی نظیر در آثار بشری روشن شود.

یک. واژه‌ها و مفردات

واژه‌ها و مفردات نهج البلاغه درخور تأمل بسیار می‌باشد و خود، موضوع بررسی‌های لطیف و مفید است. امیرمؤمنان علیه السلام واژه‌ها را با دقتی شگفت به کار گرفته، و به گونه‌ای استفاده کرده که چنین کاربردهایی آن هم بالبداهه، پیوسته موجب تحیر و ستایش بزرگان ادب بوده است. امیرمؤمنان علیه السلام چنان واژه‌ها را به کار می‌گرفته که گویا گوهرشناسی تیزبین از میان هزاران گوهر، برخی را برگزیده و با بهترین پرداخت در مناسب‌ترین جا قرار داده و به صورت زیورهای شگفت ارائه داده است. به عنوان مثال، امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن خطبه‌ای چنین رهنمود کرده است:

أَلَا وَ إِنَّ الْيَوْمَ الْمَضْمَارَ، وَ غَدَا السَّبَّاقَ، وَ السَّبْقَةُ الْجَنَّةُ، وَ الْغَايَةُ النَّارُ. (نهج البلاغه، خطبه ۲۸)